

نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت از زندگی

احد امیدي^۱
محمد فرهوش^۲
محمد رضا احمدی^۳
رقیه افتخار اربابی^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی بود. روش پژوهش از نوع توصیفی - هم‌بستگی و جامعه آماری، تمام دانش‌پژوهان مقطع کارشناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بود که بر اساس جدول مورگان از بین آنان ۲۶۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از سه پرسش‌نامه سبک دلبستگی هازان و شیور (AAI)، تصور از خدا گرینوی (RSI)، و رضایت از زندگی داینر (SWLS)، استفاده شد. اطلاعات به دست آمده از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM)، با استفاده از روش تحلیل مسیر با بهره‌گیری از مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶)، با نرم‌افزار ایموس نسخه ۲۴ مورد

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران (Omidi.ahad@gmail.com) (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

۴. کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور بین‌المللی کیش، کیش، ایران.

تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های به دست آمده در فرضیه اول نشان داد تصور مثبت از خداوند رابطه سبک دلبستگی ایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند؛ در فرضیه دوم، تصور منفی از خدا رابطه سبک دلبستگی ناایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند؛ و در فرضیه سوم هنگامی که تصور مثبت و منفی از خدا به طور هم‌زمان در تحلیل مسیر وارد شدند. نتایج حاکی از تحلیل مسیر، بیانگر معناداری نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه با سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی بود؛ به این صورت که سبک دلبستگی ایمن از مسیر تصور مثبت از خدا پیش‌بینی مثبتی برای رضایت از زندگی داشت و سبک دلبستگی ناایمن از مسیر تصور منفی از خدا، پیش‌بینی منفی برای رضایت از زندگی دارد. در هر سه مرحله، وزن‌های رگرسیونی معنادار بودند.

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی، تصور مثبت از خدا، تصور منفی از خدا، رضایت از زندگی.

The mediating role of the image of God in the relationship between attachment styles and life satisfaction

Ahad Omidi¹
 Mohammad Farhoush²
 Mohammad Reza Ahmadi³
 Roghayeh Eftekhari Arbabi⁴

Abstract

The purpose of the present study was to investigate the mediating role of the image of God in the relationship between attachment styles and life satisfaction. The research method was descriptive-correlational, and the statistical population included all the undergraduate students of Imam Khomeini Educational and Research Institute, among whom 267 students were selected through cluster random sampling based on the Morgan table. For data collection, three questionnaires were used: the Hazan and Shaver Attachment Style (AAI), God Image Inventory (adapted from Greenway's Religious Status Inventory (RSI)), and Diener's Satisfaction with Life Scale (SWLS).

1. M.A. in Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute. (omidi.ahad@gmail.com) (Corresponding Author)
2. PhD Student of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
4. M.A. in Psychology, Payame Noor University, Kish International Branch, Kish, Iran.

The data obtained were analyzed by Structural Equation Modeling (SEM), using the path analysis method through the proposed steps of Baron and Kenny (1986), using AMOS-24 software. The findings in the first hypothesis showed that positive image of God mediated the relationship between safe attachment style and life satisfaction. In the second hypothesis, the negative images of God mediated relationship between an unsafe attachment style and life satisfaction. In the third hypothesis, when the positive and negative images of God were entered the path analysis simultaneously, the results of path analysis showed the significant mediating role of the image of God in the relationship between attachment styles and satisfaction of life so that the safe attachment style of the path of the positive image of God had a positive prediction of life satisfaction, and an unsafe attachment style of the path of negative image of God had a negative prediction of life satisfaction. Regression weights were significant at all the three stages.

Keywords: attachment style, positive image of God, negative image of God, life satisfaction.

مقدمه

در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در زمینه بهزیستی فاعلی، انجام گرفته است (دینر^۱ و همکاران، ۲۰۰۳). بهزیستی فاعلی^۲ دارای دو مؤلفه شناختی و عاطفی است. مؤلفه عاطفی، متضمن احساسات مثبت و منفی و مؤلفه شناختی، متضمن نوعی ارزیابی با قضاوت است. وقتی این فرایند ارزیابی شناختی درخصوص زندگی به مثابه یک کل انجام گیرد اصطلاح «رضایت از زندگی»^۳ به کار گرفته می‌شود (پاووت و دینر^۴، ۲۰۱۳: ۱۳۵). رضایت از زندگی به منزله جامع‌ترین ارزیابی افراد از زندگی خود در نظر گرفته می‌شود (دینر، ۲۰۰۰). یک ارزیابی شناختی از کیفیت کلی زندگی فرد است (میلر^۵ و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۲۱) که در آن افراد زندگی خود را بر اساس مجموعه‌ای از ملاک‌ها ارزشیابی می‌کنند (پاووت و دینر، ۱۹۹۳: ۲). افراد هنگامی سطوح بالای رضایت از زندگی را تجربه می‌کنند که شرایط زندگی آن‌ها با ملاک‌هایی که برای خود تعیین کرده‌اند، مطابقت داشته باشد (دینر^۶ و همکاران، ۲۰۰۳). کسانی که رضایت از زندگی بالایی دارند ارزیابی مثبت تری از زندگی

-
1. Diener
 2. subjective well-being
 3. life satisfaction
 4. Pavot & Diener
 5. Miller
 6. Diner

دارند و رویدادهای زندگی را به‌نحو مطلوبی ارزیابی می‌کنند. افرادی که رضایت از زندگی پایینی دارند، نسبت به خود، گذشته و آینده نگاه منفی دارند و زندگی خود را نامطلوب ارزیابی کرده و هیجان‌های منفی بیشتری را تجربه می‌کنند (رایت^۱ و همکاران، ۲۰۰۹، به‌نقل از ایل‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۷). پژوهش‌های روان‌شناختی بسیاری به بررسی عوامل اثرگذار بر رضایت از زندگی پرداخته‌اند (سوزا و لیوبومیرسکی^۲، ۲۰۰۱). از جمله این عوامل می‌توان به مذهب و سلامت روانی (ویلیتس و کرایدر^۳، ۱۹۸۸)، عوامل شخصیتی (امونز و دینر^۴، ۱۹۸۵)، تعامل اجتماعی (گیسون^۵، ۱۹۸۶)، خوش‌بینی، معنویت‌گرایی و خودآگاهی (آدلر و فاگلی^۶، ۲۰۰۰)، و دلبستگی (کرکپاتریک و شیور^۷، ۱۹۹۲؛ بانس^۸، ۲۰۰۴، لای و لیتمان^۹، ۲۰۱۱) اشاره کرد.

نظریه دلبستگی^{۱۰}، نخستین بار از سوی جان بالبی^{۱۱} (۱۹۶۹) مطرح شد. او معتقد است دلبستگی پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاص در زندگی برقرار می‌شود، به‌گونه‌ای که وقتی فرد با این افراد خاص تعامل برقرار می‌کند، احساس نشاط، شمع و امنیت دارد و هنگام استرس از اینکه آن‌ها را در کنار خود دارد، احساس آرامش می‌کند (کرکپاتریک، ۲۰۰۵، به‌نقل از احیاء‌کننده و مزیدی شرف‌آبادی، ۱۳۹۵). دلبستگی دارای سه سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی نایمن اجتنابی، و سبک دلبستگی نایمن اضطرابی (دوسوگرا) است (نظری و همکاران، ۱۳۹۱). افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، مراقب خود را قابل‌دسترس می‌دانند، قادرند به دیگران اعتماد کنند و با آنان احساس صمیمیت و نزدیکی می‌کنند. ولی در الگوی دلبسته نایمن اجتنابی، فرد مراقب خود را در دسترس نمی‌بیند و نمی‌تواند به اطرافیان خود اعتماد کند و نسبت به دیگران تعهد و مسئولیت کم‌تری احساس می‌کند. افراد دلبسته نایمن اضطرابی، رفتارها و هیجان‌های متغیری نسبت به موضوع دلبستگی از خود نشان می‌دهند و بیش از حد وابسته دیگران و

1. Wright
2. Sousa & Lyubomirsky
3. Willits & Crider
4. Emmons & Diener
5. Gibson
6. Adler & Fagley
7. Kirkpatrick & Shaver
8. Bans
9. Lavy & Littman
10. attachment theory
11. Balbi

اغلب نگران ترک شدن هستند (کالینز و رید^۱، ۱۹۹۰).

بررسی‌های پژوهشی در زمینه سبک‌های دلبستگی نشان‌دهنده تأثیر سبک‌های دلبستگی بر رضایت از زندگی است. با توجه به نوع سبک دلبستگی، رضایت یا عدم رضایت افراد از زندگی متفاوت خواهد بود (کرکپاتریک و شیور، ۱۹۹۲). بانس (۲۰۰۴) در تحقیقی نشان داد، بین سبک دلبستگی ایمن با افزایش رضایت از زندگی و سبک دلبستگی نایمن با کاهش رضایت از زندگی ارتباط معناداری وجود دارد. کرکپاتریک و شیور (۱۹۹۲) در پژوهشی دریافتند که بین سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی ارتباط وجود دارد. میزان رضایتمندی افرادی که دلبستگی ایمن داشتند نسبت به افرادی که دلبستگی نایمن داشتند در سطح بالا تری قرار داشت. نتایج پژوهش لاوی و لیتمان (۲۰۱۱) نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی نایمن با رضایت از زندگی رابطه معنادار منفی وجود دارد. پژوهش کاجادورین^۲ و همکاران (۲۰۰۴)، حاکی از آن است افرادی که دلبستگی ایمن دارند در تعاملات بین فردی دیگران را به خوبی درک می‌کنند و روابط خوبی با آنان برقرار می‌کنند. این افراد به دلیل اطمینانی که به خود دارند در مقابل انواع استرس‌ها، فشارهای روانی، حوادث و مشکلات مقاوم و پایدار خواهند بود که باعث رضایتمندی آنان از زندگی می‌شود (کاجادورین و همکاران، ۲۰۰۴).

پیشینه پژوهشی حاکی از آن است که سبک‌های دلبستگی نقشی مؤثر در تصور از خدا دارد (کرکپاتریک، ۱۹۹۹)، با توجه به نقشی که تصور از خدا در رضایت از زندگی دارد (کرکپاتریک، ۱۹۹۲؛ کاشفی و حدادی کوهساری، ۱۳۹۴). این پژوهش به دنبال بررسی نقش میانجی تصور از خدا در رابطه سبک دلبستگی و رضایت از زندگی است. به نظر می‌رسد سبک دلبستگی از طریق تصور از خدا، در رضایت از زندگی تأثیر دارد. تصور از خدا الگوی درونی روان‌شناختی از تصورات و تجربه‌های افراد در مورد خداست (لارنس^۳، ۱۹۹۷)؛ حالتی روان‌شناختی است که به چگونگی احساس فرد نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد مبنی بر چگونگی احساس خداوند نسبت به وی مربوط می‌شود (گریمز^۴، ۲۰۰۸). تصور افراد از خداوند به دو دسته تصور مثبت و منفی تقسیم می‌شود. در تصور مثبت، خداوند به صورت مهربان، حمایت‌کننده و هدایت‌گر تصور می‌شود که می‌تواند نقش آرامش‌بخش اساسی در زندگی افراد داشته باشد و در تصور منفی، خدا با اصطلاحات

1. Collins & Reed
2. Kachadourian
3. Lawrence
4. Grimes

منفی همچون طردکننده، نامهربان، سخت‌گیر تصور می‌شود که ناامیدی، تنفر و خلق منفی در افراد را در پی دارد (گرینوی^۱، ۲۰۰۳، به نقل از خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱).

تصور از خدا از لحاظ پیشینه پژوهشی با سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی در ارتباط است. برای مثال، در زمینه تأثیر سبک‌های دلبستگی بر تصور از خدا، کرکپاتریک (۱۹۹۹) در پژوهشی نشان داد، افرادی که سبک دلبستگی ایمنی دارند، تصور مثبتی از خدا دارند، و خدا را پذیرنده، نزدیک و در دسترس تلقی می‌کنند. در مقابل، افرادی که سبک دلبستگی ناایمن داشتند، تصور منفی از خداوند دارند و خداوند را دور و غیر قابل دسترس می‌پندارند. الر^۲ (۱۹۹۹، به نقل از فیض‌آبادی و خسروی، ۱۳۸۸) در مطالعه‌ای که بر ۱۰۳۱ فارغ‌التحصیل انجام داد، گزارش کرد افرادی که سبک دلبستگی ایمن داشتند تصور مثبتی از خداوند داشتند و اشخاصی که دارای سبک دلبستگی ناایمن بودند تصور منفی از خداوند داشتند. از سوی دیگر، پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که رضایت از زندگی را می‌توان بر اساس نوع تصور از خدا پیش‌بینی کرد. کرکپاتریک و شیور (۱۹۹۲) در پژوهش خود نشان دادند بین تصور مثبت از خداوند، با رضایت بالا از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. کاشفی و حدادی کوهسار (۱۳۹۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند دانشجویانی که تصور پذیرنده و مثبتی از خدا داشتند از زندگی رضایت بیشتر و دانشجویانی که تصور منفی و تعارض‌آمیزی از خدا داشتند، از زندگی رضایت کم‌تری داشتند (کاشفی و حدادی کوهسار، ۱۳۹۴).

بنابراین، مرور نظریه‌ها و ادبیات پژوهشی نشان‌دهنده آن است که تصور از خدا نه تنها تحت تأثیر سبک‌های دلبستگی است، بلکه سطح رضایت از زندگی افراد را پیش‌بینی می‌کند. این امر حاکی از آن است که این متغیر می‌تواند در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی، نقش واسطه‌ای را ایفا کند. با این تبیین که، افرادی که دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند، خدا را به صورت منبعی از خشم، قهر و انتقام می‌شناسند و انسان را گناهکاری در حال سقوط و اسیر دستان این خدای غضبناک تصور می‌کنند. شناخت خدا در این الگو، خواسته یا ناخواسته ترسناک و اضطراب‌آور است. افرادی که بر اساس این الگو با خدا ارتباط برقرار می‌کنند، روزه‌روز از سلامت روانی خود دورتر می‌شوند و رضایت از زندگی پایینی را تجربه می‌کنند. در مقابل، اشخاصی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند،

1. Greenway

2. Aler

خداوند را بخشنده و دوست خود می‌پندارند و از طریق برقراری رابطه‌ای عاشقانه، با او ملاقات صمیمانه و گرم به عمل می‌آورند و در نتیجه بهداشت روانی و رضایت از زندگی بالاتری را گزارش می‌دهند (پارگامنت، ۱۹۹۷، به نقل از شکیبایی و همکاران، ۱۳۹۶).

با بررسی دقیق پیشینه پژوهشی، تحقیقی در داخل و خارج که مستقیماً به بررسی روابط بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی، تصور از خدا و رضایت از زندگی پرداخته باشد، یافت نشد و بیشتر مطالعات انجام‌شده در مورد عوامل پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی، به بررسی ارتباط دو یا چند متغیری پرداخته‌اند و در مجموع، مطالعات کم‌تری نقش متغیرهای واسطه‌ای را بررسی کرده‌اند. آن دسته از پژوهش‌های صورت گرفته نیز، نتایج متناقضی را نشان می‌دهند که به دو دسته نظریه انطباقی و نظریه جبران تقسیم می‌شوند. بر اساس نظریه انطباقی افرادی که دلبستگی ایمن دارند همان الگوی ایمن و تصور مثبت را به خداوند سرایت می‌دهند و افرادی که دلبستگی نایمن دارند، الگوی نایمن و تصور منفی و طردکننده را به خداوند انتقال می‌دهند. یافته‌های مینر^۱ (۲۰۰۹)، خراشادی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، سپاه منصور و همکاران (۱۳۸۷)، از نظریه انطباقی حمایت می‌کند. بر اساس نظریه جبران، افرادی که سبک دلبستگی نایمن دارند برای نیازهای برآورده‌نشده خود از سوی والدین، خداوند را جانشین مراقب اولیه خود می‌کنند و از او انتظار برآوردن نیازهای خود را دارند. اگر آن‌ها والدین طردکننده داشتند، تصور مثبت از خداوند خواهند داشت و او را مهربان و پذیرنده تلقی می‌کنند که بتوانند به جبران کمبودهای خود بپردازند (سورنسون^۲، ۲۰۰۴). یافته‌های کرکپاتریک و شیور (۱۹۹۰)، گرنکوئیست^۳ و همکاران (۲۰۱۰) از نظریه جبران حمایت می‌کند.

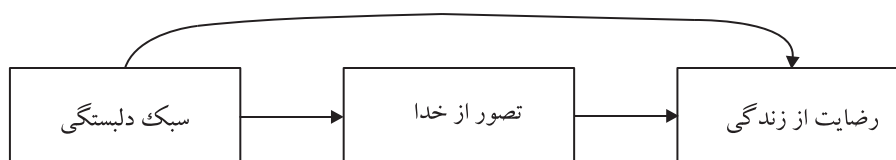
بنابراین، با توجه به خلأ پژوهشی و نتایج متناقض پژوهش‌ها و اهمیت موضوع رضایت از زندگی - که در تمام جنبه‌های زندگی، اعم از فردی، اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و شغلی آشکار است - و ارتقای سطح زندگی و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه، مستلزم شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی است. در صدد این است که آیا با حضور متغیر تصور از خدا، سبک‌های دلبستگی نقش مستقیم در پیش‌بینی رضایت از زندگی دارند یا اینکه از طریق انطباق با تصور از خدا به طور غیر مستقیم، رضایت

1. Miner
2. Sorenson
3. Granquist

از زندگی را پیش بینی می‌کند و در این فرایند، کدام متغیر نقش مهم‌تری را ایفا می‌کند. در نهایت به دنبال ارائه یک مدل برای تبیین رضایت از زندگی (شکل ۱) است.

فرضیه‌های پژوهش:

۱. تصور مثبت از خدا، رابطه سبک دلبستگی ایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند.
۲. تصور منفی از خدا، رابطه سبک دلبستگی ناایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند.
۳. تصور مثبت و منفی از خدا، رابطه سبک دلبستگی و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند.



شکل ۱ مدل واسطه‌ای برای سبک دلبستگی، تصور از خدا و رضایت از زندگی

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع هم‌بستگی مبتنی بر تحلیل مسیر بود. متغیر سبک دلبستگی به‌منزله متغیر برون‌زاد و متغیر رضایت از زندگی به‌عنوان متغیر درون‌زاد و تصور از خدا به‌منزله متغیر میانجی در نظر گرفته شد. به‌منظور ارزیابی مدل پژوهش، داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ با روش تحلیل مسیر با بهره‌گیری از مراحل پیشنهادی بارون و کنی^۲ (۱۹۸۶)، به کمک نرم‌افزار آماری ایموس نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جامعه آماری این پژوهش، حدود ۸۰۰ نفر از تمام دانش‌پژوهان کارشناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بودند که بر اساس جدول مورگان از ۲۶۷ نفر به روش تصادفی خوشه‌ای با واحد نمونه گروه کلاس، نمونه‌گیری انجام شد. میانگین سنی نمونه‌ها حدود ۲۶/۷ و انحراف استاندارد ۳/۹۷ بود. شرکت‌کنندگان به پرسش‌نامه‌های ذیل پاسخ دادند.

1. Structural Equation Modeling (SEM)
2. Baron & Kenny

۱. پرسش نامه سبک دلبستگی: پرسش نامه سبک دلبستگی را هازان و شیور^۱ (۱۹۸۷) ابداع کردند. این پرسش نامه دارای ۱۵ گویه است که سه سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی نایمن اجتنابی، و سبک دلبستگی نایمن اضطرابی (دوسوگرا) را در مقیاس پنج درجه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد از ۱ تا ۵ مورد سنجش قرار می‌دهد. کمینه و بیشینه نمره یا آزمودنی در خرده‌مقیاس‌های پرسش نامه بین ۵ و ۲۵ است. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) خرده‌مقیاس‌های ایمن، اجتنابی، دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل نمونه به ترتیب برابر با ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۶، گزارش شده که نشانه همسانی خوب مقیاس دلبستگی بزرگ سال است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۰). در تحقیقی که توسط پاکدامن (۱۳۸۰) بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انجام گرفت، پایایی بازآزمایی به ترتیب برای دلبستگی دوسوگرا، اجتنابی و ایمن برابر با ۰/۷۶، ۰/۵۲، ۰/۳۷، و میزان آلفای کرونباخ نیز برابر با ۰/۷۹ به دست آمد. همچنین، در پژوهش مؤذنی و همکاران (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب برابر با ۰/۶۵، ۰/۶۳، ۰/۶۲، به دست آمد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۸۳ و برای سبک دلبستگی نایمن ۰/۶۸ به دست آمد.

۲. پرسش نامه تصور از خدا: پرسش نامه تصور از خدا از مقیاس وضعیت مذهبی (RSI)^۲ گرینوی^۳ و همکاران (۲۰۰۳)، از آیتم‌هایی که مربوط به خداوند بوده، اقتباس و به کار گرفته شده است (گرینوی و همکاران، ۲۰۰۳). این آزمون شامل ۲۷ سؤال و سه خرده‌آزمون، حضور خدا در زندگی (سؤالات ۱ تا ۱۱)، مراقبت خداوند (سؤالات ۱۲ تا ۲۱) و تصور منفی از خداوند (سؤالات ۲۲ تا ۲۷) است. خرده‌آزمون‌های حضور خدا در زندگی و مراقبت خداوند با هم ترکیب شده و مقیاس تصور مثبت از خدا را تشکیل داده‌اند. بنابراین، در نهایت پرسش نامه از دو مقیاس اصلی تصور مثبت از خدا و تصور منفی از خدا تشکیل شده است. نمره گذاری این آزمون به شیوه لیکرت است؛ به این ترتیب که سؤال‌های ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۱، از سمت راست از ۱ تا ۵ و بقیه سؤالات به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. این پرسش نامه توسط خسروی (۱۳۸۴) ترجمه شده است. کلاین (۱۹۹۳) پایایی درونی سه خرده‌آزمون حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خدا را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۶۹ به دست آورده است و آن را نشانه پایایی درونی خوب این آزمون می‌داند (گرینوی و

1. Hazan & Shaver
 2. Religious Status Inventory
 3. Greenway

همکاران، ۲۰۰۳). فیض آبادی و خسروی (۱۳۸۸) پایایی پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمجموعه‌های «تصور منفی از خدا» ۰/۷۶، «تصور مثبت از خدا» ۰/۸۵، «حضور خدا در زندگی» ۰/۸۳ و برای کل پرسش‌نامه ۰/۷۹ و نتیجه‌آزمون و آزمون مجدد را ۰/۷۹ گزارش کردند. همچنین برای بررسی روایی پرسش‌نامه، از روش «روایی هم‌زمان» استفاده کردند و هم‌بستگی پرسش‌نامه «تصور از خدا» را با پرسش‌نامه «نگرش‌های مذهبی خدایاری فرد» محاسبه کردند و ضریب هم‌بستگی به‌دست آمده را برابر ۰/۶۷ گزارش کردند که معنادار است (خسروی و فیض آبادی، ۲۰۰۹). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای تصور مثبت از خدا ۰/۸۰ و برای تصور منفی از خداوند خدا ۰/۶۷ به‌دست آمد.

۳. پرسش‌نامه رضایت از زندگی: پرسش‌نامه رضایت از زندگی، مقیاسی پنج‌گویه و تک‌عاملی است که دینر و همکاران (۱۹۸۵) برای قضاوت کلی فرد از رضایت از زندگی آن را طراحی کرده‌اند (مک کاله^۱ و همکاران، ۲۰۰۲). پرکاربردترین ابزار اندازه‌گیری رضایت از زندگی است که در بیش از چهار هزار مطالعه استفاده شده است (شیخی و هومن، ۱۳۸۹: ۱۹، به‌نقل از سالاروند و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۸). پنج‌گویه این مقیاس بر اساس مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای از ۱ تا ۷ کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم پاسخ داده می‌شود. دینر و همکاران (۱۹۸۵) پایایی بازآزمایی پرسش‌نامه را با فاصله زمانی دو ماه ۰/۸۴ گزارش کردند. پاووت و دینر^۲ (۲۰۰۸) پایایی بازآزمایی مقیاس را با فاصله زمانی یک ماه ۰/۸۴ و آلفونسو^۳ و همکاران (۱۹۹۲)، با فاصله زمانی دو هفته ۰/۸۳ گزارش کردند (اصفهانیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱). اعتبار و روایی این پرسش‌نامه در ایران، توسط بیانی و کوچکی بر روی ۱۰۹ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر انجام شد و اعتبار آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ به‌دست آمد. روایی سازه پرسش‌نامه از طریق روایی همگرا با استفاده از فهرست شادکامی آکسفورد و فهرست افسردگی بک برآورد شد (خیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰، به‌نقل از سالاروند و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۸). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۲ به‌دست آمد.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و سپس، نتایج تحلیل مسیر ارائه

1. McCullough
2. Pavot & Diner
3. Alfonso

می‌شود. اطلاعات توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، کمینه، بیشینه، کجی و کشیدگی در جدول ۱ و ضرایب هم‌بستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره	کجی	کشیدگی
سبک دلبستگی ایمن	۲۰/۸	۲/۷۶	۱۳	۲۲	-۰/۱۹	۰/۷۶
سبک دلبستگی ناایمن	۳۱/۴	۳/۳	۱۷	۴۱	۰/۷۶	۰/۹۴
تصور مثبت از خدا	۹۸/۷	۱۴/۴	۶۵	۱۰۷	۰/۶۳	-۹۷/۵
تصور منفی از خدا	۱۱	۳/۷۶	۸	۲۱	۰/۸۳	۰/۹۲
رضایت از زندگی	۳۱	۲/۹۶	۲۳	۳۴	۰/۰۷	-۰/۱۶

جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از شاخص‌های کجی و کشیدگی استفاده شد. برخی آمارشناسان تفسیر +۱ تا -۱ را در مورد کجی و کشیدگی یا هر دو ترجیح می‌دهند (میرزا^۱ و همکاران، ۲۰۱۶)؛ به این معنا که مقدار کجی و کشیدگی بیشتر از مقدار +۱ یا -۱ باشد به منزله شاخصی برای انحراف از نرمال بودن تلقی می‌شود. نتایج بررسی شاخص‌های چولگی و کشیدگی نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش در دامنه +۱ تا -۱ قرار دارند که بدین معناست که متغیرهای پژوهش انحراف قابل توجهی از توزیع نرمال ندارند و می‌توان توزیع نرمال یا نزدیک به نرمال متغیرهای پژوهش را پذیرفت. برای بررسی هم‌بستگی میان متغیرها از آزمون آماری هم‌بستگی پیرسون استفاده شد که نتیجه آن در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

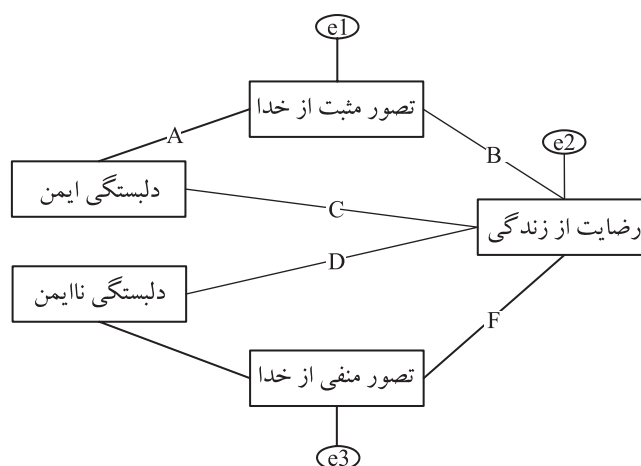
جدول ۲ ماتریس ضرایب هم‌بستگی متغیرهای تحقیق

متغیرها	دلبستگی ایمن	دلبستگی ناایمن	تصور مثبت از خدا	تصور منفی از خدا	رضایت از زندگی
دلبستگی ایمن	۱				
دلبستگی ناایمن	-۰/۴۷**	۱			
تصور مثبت از خدا	۰/۹۵**	-۰/۵۶**	۱		
تصور منفی از خدا	-۰/۶۵**	۰/۳۳**	-۰/۶۹**	۱	
رضایت از زندگی	۰/۷۸**	-۰/۴۷**	۰/۸۴**	-۰/۶۶**	۱

$P < ۰/۰۵^*$ $P < ۰/۰۱^{**}$

به منظور بررسی نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی از تحلیل مسیر، مدل بارون و کنی^۱ استفاده شد. به منظور بررسی میانجی‌گری بر اساس مدل بارون و کنی (۱۹۸۶)، سه مرحله نیاز است و باید در هر سه مرحله، وزن‌های رگرسیونی معنادار باشند. مدل تحلیل مسیر این مراحل را دارد:

(۱) پیش‌بینی کردن متغیر وابسته اصلی (رضایت از زندگی) بر اساس متغیر مستقل اصلی (سبک دلبستگی ایمن و نایمن) (مسیر مستقیم)، (۲) پیش‌بینی کردن هر کدام از متغیر میانجی تصور مثبت از خدا و تصور منفی از خدا بر اساس متغیر مستقل اصلی (سبک دلبستگی ایمن و نایمن) (مسیر غیر مستقیم)، (۳) پیش‌بینی کردن متغیر وابسته اصلی (رضایت از زندگی) بر اساس متغیرهای مستقل اصلی (سبک دلبستگی ایمن و نایمن) و میانجی به طور هم‌زمان (مدل میانجی). در مرحله سوم، اگر مسیر مستقیم متغیر مستقل (سبک دلبستگی) به متغیر وابسته (رضایت از زندگی) همچنان معنادار باشد؛ یعنی متغیر مستقل به طور هم‌زمان از هر دو مسیر مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد و میانجی‌گری جزئی است. اما اگر با حضور متغیر میانجی در مدل، مسیر مستقیم معنادار نبود، به این معنی است که مسیر غیر مستقیم تمام تأثیر مسیر مستقیم را به خود جذب کرده و متغیر میانجی به طور کامل میانجی‌گری می‌کند (عزیزی، ۱۳۹۲). مدل مفهومی تحلیل مسیر در نمودار ۱ ارائه شده است. تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار ایموس نسخه ۲۴ انجام شد.



نمودار ۱ مدل مفهومی میانجی‌گری تصور مثبت از خدا و تصور منفی از خدا در رابطه سبک دلبستگی و رضایت از زندگی

1. Baron & Kenny

فرضیه اول: تصور مثبت از خدا، رابطه سبک دبستگی ایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند.

نتایج مراحل سه‌گانه تحلیل مسیر برای فرضیه اول، در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳ ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل میانجی‌گری تصور مثبت از خدا

(مرحله اول)		(مرحله دوم)		(مرحله سوم)	
مدل اثر مستقیم		مدل اثر غیر مستقیم		مدل میانجی‌گری	
مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری
A	۰/۰۰۰	---	A	۰/۹۴۸	***
B	۰/۰۰۰	---	B	۰/۸۴۵	***
C	۰/۷۸۳	***	C	۰/۰۰۰	---

مسیر A: مسیر سبک دبستگی ایمن به تصور مثبت از خدا $p < ۰/۰۰۱$
 مسیر B: مسیر تصور مثبت از خدا به رضایت از زندگی
 مسیر C: مسیر سبک دبستگی ایمن به رضایت از زندگی

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، تصور مثبت از خدا رابطه سبک دبستگی ایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری کامل می‌کند ($۰/۹۴۸ = ۰/۹۹۸ * ۰/۹۴۸$).

فرضیه دوم: تصور منفی از خدا رابطه سبک دبستگی نایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند. نتایج مراحل سه‌گانه تحلیل مسیر برای فرضیه سوم، در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴ ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل میانجی‌گری تصور مثبت از خدا

(مرحله اول)		(مرحله دوم)		(مرحله سوم)	
مدل اثر مستقیم		مدل اثر غیر مستقیم		مدل میانجی‌گری	
مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری
E	۰/۰۰۰	---	E	۰/۳۲۷	***
F	۰/۰۰۰	---	F	-۰/۶۵۷	***
D	-۰/۴۷۳	***	D	۰/۰۰۰	---

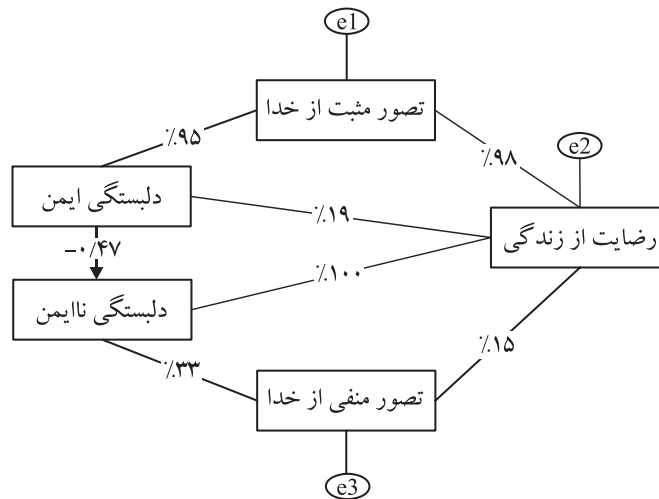
مسیر E: مسیر سبک دبستگی نایمن به تصور منفی از خدا $p < ۰/۰۰۱$
 مسیر F: مسیر تصور منفی از خدا به رضایت از زندگی
 مسیر D: مسیر دبستگی نایمن به رضایت از زندگی

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، تصور منفی از خدا رابطه سبک دلبستگی ناایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری جزئی می‌کند ($0/327^* - 0/562 = -0/184$).

فرضیه سوم: تصور مثبت و منفی از خدا، رابطه سبک دلبستگی و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند. نتایج مراحل تحلیل مسیر این فرضیه در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵ ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل میانجی‌گری تصور منفی از خدا و تصور مثبت از خدا به‌طور هم‌زمان

(مرحله اول)			(مرحله دوم)			(مرحله سوم)		
مدل اثر مستقیم			مدل اثر غیر مستقیم			مدل میانجی‌گری		
مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری
A	0/000	----	A	0/948	***	A	0/948	***
B	0/000	----	B	0/795	***	B	0/978	0/03
C	0/718	***	C	0/000	----	C	0/192	0/077
E	0/000	----	E	0/327	----	E	0/327	***
F	0/000	----	F	-0/148	----	F	-0/148	***
D	-0/138	***	D	0/000	----	D	0/001	0/98



نمودار ۲ ضرایب استاندارد مسیرهای مدل میانجی‌گری هم‌زمان تصور منفی از خدا و تصور مثبت از خدا در رابطه سبک دلبستگی و رضایت از زندگی

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، هنگامی که تصور منفی از خدا و تصور مثبت از خدا به‌طور هم‌زمان در تحلیل مسیر وارد شوند، تصور مثبت از خدا رابطه دلبستگی ایمن و رضایت از زندگی را واسطه‌گری می‌کند و تصور منفی از خدا رابطه دلبستگی ناایمن و رضایت از زندگی را واسطه‌گری می‌کند. ضرایب مسیر در مدل میانجی‌گری هم‌زمان تصور منفی از خدا و تصور مثبت از خدا در نمودار ۴ ارائه شده است. شاخص‌های برازش مدل در تمامی مراحل و فرضیه‌ها قابل قبول بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی بود. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که تصور از خدا در رابطه میان سبک‌های دلبستگی با رضایت از زندگی نقش واسطه‌ای دارد. از یافته‌های پژوهش حاضر (فرضیه اول)، این بود که تصور مثبت از خدا رابطه سبک دلبستگی ایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند. این یافته با پژوهش‌های کرکپاتریک (۱۹۹۹)، کاشفی و حدادی کوهسار (۱۳۹۴)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳)، غباری بناب و همکاران (۱۳۹۱)، همسو است. کرکپاتریک (۱۹۹۹) در پژوهشی نشان داد افرادی که سبک دلبستگی ایمنی دارند، تصور مثبتی از خدا دارند و خدا را پذیرنده، نزدیک و در دسترس تلقی می‌کنند. کاشفی و حدادی کوهسار (۱۳۹۴) در پژوهشی دریافتند دانشجویانی که تصور پذیرنده و مثبتی از خدا داشتند رضایت از زندگی بیشتری و دانشجویانی که تصور منفی و تعارض-آمیزی از خدا داشتند، رضایت از زندگی کم‌تری داشتند. پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳) حاکی از آن بود که سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده معتبری برای تصور مثبت از خداست. در تبیین این یافته می‌توان گفت: سبک دلبستگی، پایه و اساس شکل‌گیری تصور از خداست (کرکپاتریک، ۱۹۹۹). افراد در دوران کودکی، درونی‌سازی اولیه‌ای در ارتباط با والدین و مراقبان، در خویش شکل می‌دهند. این الگوهای درونی‌سازی شده مثبت یا منفی نسبت به مراقبان، در بزرگسالی نیز در شکل‌دهی نوع تصور از خدا مؤثر است و افرادی که دارای الگوی دلبستگی ایمن هستند، دارای الگوی درونی تصور مثبت از خدا هستند (میکولینسر و شیور^۱، ۲۰۰۷). بعد از شکل‌گیری تصور مثبت از خدا آن‌ها بر این باورند که خدا به‌منزله یک پایگاه ایمن خدمت می‌کند (کرکپاتریک، ۲۰۰۵). بالبی و دیگر

پژوهشگران معتقدند که دسترسی به پایه ایمنی، پادزهر ترس و اضطراب است. همان طور که کودک مادر را پایه و اساس ایمنی می‌داند و در محیط جست‌وجو می‌کند، فرد نیز با اعتماد به اینکه خداوند اساس ایمنی است او را مهربان، در دسترس، یاری‌رسان، پناهگاه مطمئن و بهترین مونس برای خود می‌داند و تصورش این است که خداوند با آغوش باز او را می‌پذیرد. این افراد با تکیه بر خداوند در کنترل احساسات، توانایی ایجاد رابطهٔ محبت‌آمیز با دیگران، توانایی سازگاری با محیط، مقابله با بحران‌های زندگی، احساس امنیت عاطفی و احساس آرامش موفق هستند و در پر تو این ایمنی و آرامش کسب‌شده با اعتماد به نفس بالایی با شرایط سخت مقابله می‌کنند و در حل مشکلات زندگی موفقیت بیشتری را کسب می‌کنند و رضایت از زندگی بالاتری را گزارش می‌دهند (علیانسب، ۱۳۹۱).

یافتهٔ دیگر این پژوهش (فرضیهٔ دوم) نشان داد تصور منفی از خدا رابطهٔ سبک دلبستگی ناایمن و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند. علاوه بر اینکه دلبستگی ناایمن به صورت غیر مستقیم و از مسیر تصور منفی از خداوند پیش‌بینی منفی برای رضایت از زندگی داشت، به طور مستقیم هم پیش‌بینی منفی ضعیفی برای رضایت از زندگی داشت. یافته در بخش پیش‌بینی مستقیم، با پژوهش‌های بانس (۲۰۰۴)، ایویرا و کاستا^۱ (۲۰۰۰)، چریس^۲ و همکاران (۲۰۰۹)، همسو است. بانس (۲۰۰۴) نشان داد بین سبک دلبستگی ناایمن با کاهش رضایت از زندگی رابطهٔ منفی معناداری وجود دارد. ایویرا و کاستا (۲۰۰۰) نشان دادند افرادی که دلبستگی ناایمن دارند در زندگی از رضایت‌مندی پایینی بهره‌مندند. چریس و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند افرادی که دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند، رضایت از زندگی پایین‌تری نسبت به افراد دلبستهٔ ایمن دارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت: افرادی که دلبستگی ناایمن دارند از نزدیک بودن، خودافشایی احساسات و وابستگی در روابط پرهیز می‌کنند، چون می‌خواهند به دور از وابستگی اقتدار خود را حفظ کنند، از لحاظ هیجانی فاصله‌دار عمل می‌کنند، به خودشان اعتماد ندارند و در رویارویی با موقعیت‌های تنش‌زا، از توانایی پایینی برخوردار هستند (نظری و همکاران، ۱۳۹۱). این افراد به دیگران هم اعتماد ندارند و روابط بین فردی ضعیفی دارند، نمی‌توانند به دیگران محبت کنند و روابطی توأم با عشق و علاقه داشته باشند، در زندگی فردی و اجتماعی با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شوند و رضایت آنان از زندگی کاهش پیدا می‌کند (بارتلمو و هارویتر^۳، ۱۹۹۱، به نقل از حدادی کوهسار، ۱۳۹۱).

1. Oliveira & Costa
2. Chris
3. Bartholomew & Horowitz

همچنین سبک دلبستگی ناایمن به‌طور غیر مستقیم و از مسیر تصور منفی از خدا پیش‌بینی منفی برای رضایت از زندگی داشت. این یافته با پژوهش کرکپاتریک (۱۹۹۹)، لاوی و لیتمان (۲۰۱۱)، شارون و ونیدی^۱ (۲۰۰۹)، همسو است. پژوهش کرکپاتریک (۱۹۹۹) حاکی از آن است افرادی که سبک دلبستگی ناایمن داشتند، تصور منفی از خداوند دارند و خداوند را دور و دسترس‌ناپذیر می‌پندارند. پژوهش لاوی و لیتمان (۲۰۱۱) نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی ناایمن با رضایت از زندگی رابطه معنادار وجود دارد؛ به این معنا که هرچه سطح دلبستگی ناایمن پایین‌تر باشد، رضایت از زندگی بالاتر است و هرچه سطح دلبستگی ناایمن بالاتر باشد، رضایت از زندگی پایین‌تر است. شارون و ونیدی (۲۰۰۹) دریافتند بین سبک‌های دلبستگی ناایمن با کاهش رضایت از زندگی ارتباط منفی معناداری وجود دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: افرادی که دلبستگی ناایمن دارند اعتمادی به دریافت محبت، توجه و حمایت خداوند ندارند. این افراد نسبت به حضور خداوند و یاری‌گری خداوند نامطمئن هستند و براین باورند که خداوند نیز مانند سایر افراد، مطمئن و پاسخگو نیست، غیر قابل دسترس و غیر قابل اعتماد است. آن‌ها به‌سبب تصور منفی که از خداوند دارند نمی‌توانند با او رابطه‌ای عاطفی و صمیمی داشته باشند و حتی اگر اهل عبادت هم باشند عبادتشان ناشی از ترس و اضطراب است (شجاعی، ۱۳۸۵). این افراد در مواجهه با چالش‌های زندگی ارزیابی اولیه‌ای از نیروهایی خود به‌عمل می‌آورند و در این ارزیابی نسبت نیروهای اولیه خود را با چالش برانگیز بودن مشکل مقایسه می‌کنند (لازاروس^۲، ۱۹۹۱). این افراد در ارزیابی نیروهای خود چون به دریافت استعانت از ناحیه خداوند اطمینانی ندارند و خدا را دور از دسترس، نامهربان و غیر صمیمی تصور می‌کنند، نمی‌توانند در چالش‌های روزمره زندگی خود به‌چنین خداوندی اعتماد و توکل کنند، در زندگی دچار تنش و اضطراب و با شکست‌های بیشتری مواجهه می‌شوند و در پی این شکست‌ها میزان رضایت آنان از زندگی کاهش پیدا می‌کند.

یافته دیگر پژوهش (فرضیه سوم)، هنگامی که تصور مثبت و منفی از خدا به‌طور هم‌زمان در تحلیل مسیر وارد شدند، نتایج برآمده از تحلیل مسیر، حاکی از آن بود که تصور مثبت از خدا رابطه دلبستگی ایمن و رضایت از زندگی و تصور منفی از خدا رابطه

1. Sharon & Wendy
2. Lazarus

دل‌بستگی نایمن و رضایت از زندگی را واسطه‌گری می‌کند. پژوهش‌ها در زمینه رابطه بین سبک دل‌بستگی و تصور از خدا، دو یافته متناقض را نشان می‌دهد. بعضی از یافته‌ها نشان می‌دهد تصور از خدا در افرادی که سبک دل‌بستگی شان بهینه نبوده است، می‌تواند جیرانی باشد. برای مثال افرادی که سبک دل‌بستگی آنان نایمن است، برای جبران نیازهای امنیت و دسترس‌پذیری - که در گذشته تأمین نشده - تصور مثبتی از خداوند در خود پرورش می‌دهند (فرضیه جبران). یافته‌های دیگر نشان می‌دهد تصور افراد از خداوند ناشی از انطباق با دل‌بستگی گذشته است. برای مثال افرادی که سبک دل‌بستگی نایمن دارند تصور از خدای منفی، دور از دسترس، غیر قابل اعتماد و پاسخ‌گو دارند و اشخاصی که سبک دل‌بستگی ایمن دارند تصور از خدای مثبت، در دسترس و قابل اعتماد در خود شکل می‌دهند (فرضیه انطباق) (کرکپاتریک و شیور، ۱۹۹۰، به نقل از برآبادی، ۱۳۹۳). این پژوهش همسو با یافته‌های کرکپاتریک و شیور (۱۹۹۹)، مینر (۲۰۰۹)، سپاه منصور و همکاران (۱۳۸۷)، خراشادی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، فرضیه تطابق را تأیید می‌کند. بنابراین، در تبیین فرضیه سوم می‌توان گفت نوع سبک دل‌بستگی افراد، که در طول دوران زندگی وجود دارد به تدریج متنوع می‌شود، با افزایش رشد شناختی به چهره‌های مشاهده‌نشده مثل خدا، سرایت می‌کند و خداوند به منزله یک جایگزین کامل موضوع دل‌بستگی عمل می‌کند (دیکی^۱ و همکاران، ۱۹۹۷). افرادی که سبک دل‌بستگی ایمن دارند، تصورات مثبت و خوش‌بینانه از قبیل خیرخواه بودن، در دسترس بودن، بخشنده و قابل اعتماد بودن از خداوند دارند، در بحران‌های زندگی و شرایط پرتنش به سوی خدا می‌روند (کرکپاتریک، ۱۹۹۴)، با اعتقاد به اینکه خداوند پناگاه مطمئن و امنی است و نهایت قدرت، شکوه و عظمت را دارد، احساس قدرت می‌کنند (کرکپاریک، ۱۹۹۴)، در مواجهه با رویدادهای سرسخت زندگی از مقابله‌های روان‌شناختی بالاتری بهره‌مندند (نیوتون و مکین تاش، ۲۰۱۰، به نقل از برآبادی و همکاران، ۱۳۹۳)، و راهبردهای مقابله‌ای کارآمدتری برای حل معضلات زندگی به کار می‌گیرند که موجب رضایت از زندگی می‌شود. در مقابل افرادی که دل‌بستگی نایمن دارند تصور از خدای آنان منفی است، از این می‌ترسند که حمایت و توجه خدا را از دست بدهند. در نتیجه، چنین افرادی در مورد خداوند شک و تردید و اضطراب دارند، خداوند را دور از دسترس و غیر قابل اعتماد تلقی می‌کنند و باور دارند که خدا از آنان فاصله گرفته است، به همین سبب در مواجهه با بحران‌ها، فشار روانی بیشتری را

متحمل می‌شوند و نوع رفتار مواجهه‌ای یا مقابله‌ای که به‌هنگام مقابله با رویدادهای زندگی درپیش می‌گیرند نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و دستخوش مشکلات زیادی می‌شوند که به عدم احساس آرامش و رضایت از زندگی منجر می‌شود (هزاری و شهابی‌زاده، ۱۳۹۵).

جامعه و نمونه پژوهش حاضر تنها از مردان تشکیل شده است، در نتیجه به دلیل تفاوت جنسیتی میان زن و مرد می‌تواند بر نتایج تأثیر گذار باشد. همچنین نمونه حاضر از بین دانش پژوهانی انتخاب شده است که همگی در کنار دروس دانشگاهی مشغول به تحصیل در حوزه علمیه بودند و تصور از خدا در این افراد نسبتاً مثبت و بالا بود که می‌تواند تعمیم‌پذیری را با مشکل مواجه کند. بنابراین، تعمیم نتایج به سایر جامعه‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به نقش مشاغل مختلف و جنسیت توجه کنند. از آنجا که سبک‌های دلبستگی و نوع تصور افراد از خداوند تأثیر بسزایی در تعاملات و رفتار افراد دارد، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده ارتباط آن‌ها را با متغیرهای روان‌شناختی دیگر مورد توجه قرار دهند. همچنین، روان‌شناسان و مشاوران می‌توانند با پژوهش و آموزش و ارتقا و اصلاح سبک‌های دلبستگی و نوع تصور از خدا به افزایش رضایت از زندگی افراد منجر شوند و زمینه‌ساز محیطی باشند که افراد احساس رضایت از زندگی داشته باشند و به این وسیله جامعه‌ای سالم بسازند.

منابع

- ابراهیمی، م.، سپاه منصور، م. و امامی‌پور، س. (۱۳۹۳). چگونگی نقش سبک‌های دلبستگی و روابط موضوعی در شکل‌گیری تصور از خدا در دانش‌آموزان دوره متوسطه. *تحقیقات روان‌شناختی*، ۶ (۲۲)، ۸۵-۷۲
- احیاء‌کننده، م.، و مزیدی شرف‌آبادی، م. (۱۳۹۵). رابطه دلبستگی به خدا با سلامت روان و هدف در زندگی دانشجویان پسر. *روان‌شناسی و دین*، ۱ (۳۳)، ۸۴-۶۹
- اصفهانیان، م.، گلزاری، م.، و براتی سده، ف. (۱۳۹۵). تدوین برنامه آموزشی شکر مبتنی بر مفهوم شکر اسلامی و بررسی کارآمدی آن در رضایت از زندگی. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ۲ (۲)، ۱۳۲-۱۰۰
- ایل بیگی، ر.، الهی مجد، ل.، و قاسمپور، ع. (۱۳۹۷). نقش سبک‌های مقابله‌ای و تنظیم هیجان در پیش‌بینی رضایت از زندگی. *علوم اجتماعی و علوم تربیتی*، ۲ (۳)، ۱۰-۱
- برآبادی، ح. ا. (۱۳۹۳). *تدوین و بررسی اثربخشی الگوی مشاوره‌ای اسما حسنا بر اصلاح تصور از خدا و کاهش استرس، اضطراب و افسردگی*. پایان‌نامه دکتری. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.

- حدادی کوهسار، ع. ا.، و غباری بناب، ب. (۱۳۹۱). پیش‌بینی نشانه‌های مرضی بر اساس مفهوم خدا در دانشجویان علوم پزشکی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۶، ۴۱۱-۴۲۰.
- حدادی کوهسار، ع. ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس سبک‌های دلبستگی در مدیران دبیرستان‌ها: تفاوت‌های جنس. *روان‌شناسی صنعتی/سازمانی*، ۱۱، ۵۳-۶۰.
- خاکساری، ز.، و خسروی، ز. (۱۳۹۱). خدا و تصور مثبت و منفی از او و رابطه آن با عزت نفس و سلامت روانی دانش‌آموزان. *روان‌شناسی دین*، ۲، ۸۳-۹۸.
- خراشادی زاده، س.، شهایی زاده، ف.، و دستجردی، ر. (۱۳۹۰). بررسی نقش دلبستگی دوران کودکی، دلبستگی به خدا و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی دانشجویان شهر بیرجند. *روان‌شناسی و دین*، ۱۶ (۴)، ۴۳-۶۰.
- سالاروند، ا.، رضائیان، ح.، و حقانی، ا. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای قدردانی معیار مرجع (شکرگزاری دینی) در رابطه بین قدردانی هنجار مرجع با رضایت از زندگی. *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۳، ۷۱-۸۴.
- سپاه منصور، م.، شهایی زاده، ف.، و خوشنویس، ا. (۱۳۸۷). ادراک دلبستگی کودکان، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. *روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی*، ۱۵، ۲۵۳-۲۶۵.
- شجاعی، م. ص. (۱۳۸۵). *توکل به خدا: راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شکیبایی، ط.، زارعی، ا.، اسمعیلی، م.، و جاودان، م. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر الگوی مشاوره‌ای اسمای حسنا بر اصلاح تصور زنان متأهل نسبت به خداوند. *فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، ۳، ۷-۲۹.
- عزیزی، ش. (۱۳۹۲). متغیرهای میانجی، تعدیل‌گر و مداخله‌گر در پژوهش‌های بازاریابی: مفهوم، تفاوت‌ها، آزمون‌ها و رویه‌های آماری. *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۲، ۱۵۷-۱۷۶.
- علیانسب، ح. (۱۳۹۱). *خداجویی و نقش آن در نگرش به مرگ*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- غباری بناب، ب.، و حدادی کوهسار، ع. ا. (۱۳۹۰). رابطه سلامت روان با تصویر ذهنی از خدا و کیفیت دلبستگی در نوجوانان بزهکار. *اندیشه و رفتار روان‌شناسی بالینی*، ۲۱، ۷-۱۶.
- غباری بناب، ب.، و حدادی کوهسار، ع. ا. (۱۳۸۸). رابطه اضطراب و افسردگی با تصویر ذهنی از خدا در دانشجویان. *علوم روان‌شناختی*، ۸ (۳۱)، ۲۹۷-۳۱۴.
- کاشفی، ط.، و حدادی کوهسار، ع. ا. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس تصور فرد از خدا در دانشجویان علوم پزشکی. *علوم روان‌شناختی*، ۵۳، ۱۱۰-۱۲۰.
- فیض‌آبادی، س.، و خسروی، ز. (۱۳۸۸). مقایسه تصور از خدا و رضایت از زندگی در بین زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهرستان کاشان. *رویکردهای نوین آموزشی*، ۱۰ (۲)، ۱-۹.
- قنبری هاشم‌آبادی، ب. ع.، حاتمی ورزنده، ا.، اسمعیلی، م.، و فرحبخش، ک. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی. *جامعه‌شناسی زنان*، ۲ (۷)، ۳۹-۶۰.
- مؤذنی، ط.، آقایی، ا.، و گل‌پرور، م. (۱۳۹۳). پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی فرزندان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین. *آموزش و ارزشیابی*، ۷ (۲۵)، ۸۷-۹۹.

نظری چگنی، ا.، بهروزی، ن.، مهرابی‌زاده، ا.، و هنرمند، م. (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی با افسردگی و رضایت از زندگی با میانجی‌گری خوش‌بینی و حمایت اجتماعی در دانشجویان. *دست‌آورد‌های روان‌شناختی*، ۱۹(۲)، ۸۱-۱۰۰.

هزاری، ق.، و شهابی‌زاده، ف. (۱۳۹۵). ادراک دلبستگی دوران کودکی در مدل علی مهار و بروز خشم با توجه به انطباق بین سبک‌های اسناد و دلبستگی به خدا. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۹(۱)، ۷۴-۹۰.

- Banse, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 273-282.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator–mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of personality and social psychology*, 51(6), 1173.
- Chris, H., Robbert, S., & Mirjam, S. (2009). Adult attachment as mediator between recollections of childhood and satisfaction with life. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 16(1), 10-21
- Collins, N. L., & Reed, S. J. (1990). Adult attachment, working models and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
- Dickie, J. R., Eshleman, A. K., Merasco, D. M., Shepard, A., Wilt, M. V., & Johnson, M. (1997). Parent-child relationships and children's images of God. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36(1), 25-43.
- Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American psychologist*, 55(1), 34.
- Diener, E., Scollon, C. N., & Lucas, R. E. (2003). The Evolving Concept of Subjective Well-Being: The Multifaceted Nature of Happiness. *Advances in Cell Aging and Gerontology*, 15, 187-219.
- Diner E., Oishi S., & Lucac, R. E. (2003). Personality, culture, and subjective well-being: Emotional and cognitive evaluations of life. *Annual Review of Psychology*, 54, 403-425.
- Greenway, A. P., Milne, L. C., & Clarke, V. (2003). Personality variables, self-esteem and depression and an individual's perception of God. *Mental Health, Religion & Culture*, 6(1), 45-58.
- Grimes, C. (2008). Chapter 2. God Image Research: A Literature Review. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 9 (3-4), 11-32
- Kachadourian, L. K., Fincham, F., & Davila, J. (2004). Tendency to forgive in dating and married couples: The role of attachment and relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 11, 373- 388.
- Khosravi, Z., & Feyzabadi, S.V. (2009). Types of attachment and God's image among divorce – seeking and non – divorce – seeking women of Kashan.

- Journal of New Thoughts on Education*. 19, 37-54.
- Kirkpatrick, L. A. (1999). Attachment and religious representations and behavior. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (p. 803-822). The Guilford Press.
- Kirkpatrick, L. A. (2005). *Attachment, evolution, and the psychology of religion*. New York: The Guilford Press.
- Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. (1992). An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 266-275
- Lavy, S., & Littman-Ovadia, H. (2011). All you need is love? Strengths mediate the negative associations between attachment orientations and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 50, 1050–1055.
- Lawrence, R. T. (1997). Measuring the Image of God: The God image inventory and the God image scales. *Journal of Psychology and Theology*, 25(2), 214-226.
- Lazarus, R. S., & Lazarus, R. S. (1991). *Emotion and adaptation*. USA Oxford University Press on Demand.
- McCullough, M. E., Emmons, R. A., & Tsang, J. (2002). The Grateful Disposition: A Conceptual and Empirical Topography. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 112-127
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2016). *Applied multivariate research: Design and interpretation*. Sage publications.
- Mikulincer, M., Shever, P.R. (2007). Boosting attachment security to promote mental health, prosocial values, and inter- group tolerance. *Psychological Inquiry*, 18(3), 139-56
- Miller, B. K., Zivnuska, S., & Kacmar, K. M. (2019). Self-perception and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 139, 321-325.
- Miner, M. (2009). The impact of child-parent attachment, attachment to God and religious orientation on psychological adjustment. *Journal of Psychology and Theology*, 37(2), 114-124.
- Oliveira, J., & Costa, M. E. (2000). Perceptions of marital and parental satisfaction and its relation with parental attachment in Portuguese late adolescents. Acc: Mar 8, 2007, <http://www.Aifref.uqam.67>.
- Pavot, W., & Diener, E. (2013). Happiness experienced: The science of subjective well-being. The Oxford handbook of happiness, 134-151. *Oxford Handbook Of Happiness*, Oxford University Press, 10, 134-154.
- Pavot, W., & Diener, E. (1993). The Affective and Cognitive Context of Self-Reported Measures of Subjective Well-Being. *Social Indicators Research*, 28, 1-20.
- Sharon, H., & Wendy, B. (2009). Equality discrepancy between women in same-sex

- relationships: The mediating role of attachment in relationship satisfaction. *Sex Roles*, 60(10), 721-730.
- Sorenson, R. L. (2004). *Minding spirituality*. Hillsdale, NJ: The Analytic Press. Hardcover. viii + 191 pp. \$39.95.
- Sousa, L., & Lyubomirsky, S. (2001). *Life satisfaction*. *Encyclopedia of women and gender: Sex similarities and differences and the impact of society on gender* (Vol. 2, pp. 667-676).